

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی - کابل

۲۰ نومبر ۲۰۲۰



داکتر محمد کریم فارغی

چرا ستار سیرت؟؟؟؟*

دیپلوماسی مسلط بر کشور جنگ آشنا و پر از مصائب ما به وسیله استخباراتی ها طرح و عملی می گردد و سیاسیون آن را سر و سامان می دهند.

بعد از سقوط امارت اسلامی طالبان در سال ۲۰۰۱، این تحریک که به منظور تأمین امنیت پروژه انتقال نفت از ترکمنستان به پاکستان و از آن گذشته به هند و نهایتاً به اندونیزیا، ایجاد گردیده بود، عملاً خاتمه یافت.

کنفرانس بن پروژه حکومت موقت به ریاست حامد کرزی را تصویب و منابع هنگفت مالی به کشور سرازیر گردید. اداره موقت خلاف توقعات برای رسیدگی به امور مردم جنگزده و از هم پاشیده طی جنگ طاقت فرسا علیه یک ابر قدرت بزرگ مانند روسیه شوروی نه بلکه به خاطر حراست و مسؤولیت پذیری از منافع ابر قدرت استعماری امریکا و شرکاء ایجاد گردید.

این اداره تمام جوانب درگیر در جنگ منافع امریکا علیه شوروی وقت را که به جهاد علیه روسها نام گرفته بود و این جهاد نه به وسیله علمای عالم اسلام بلکه به وسیله اسکاتلند یارد اعلام گردیده بود، در خود شامل ساختن به جز بقایای امارت اسلامی طالبان زیرا پروژه تحریک طالبان از نظر سیاسیون دخیل در بن عملاً خاتمه یافته بود.

اداره موقت و متعاقباً تداوم اداره زیر قیادت آقای کرزی تا زمانی که منابع سرشار مالی غرب زیر نام باز سازی افغانستان ادامه داشت، بدون کدام تهدید امنیتی و مزاحمت به کار خود ادامه داد و منابع میلیارد دلاری در چینل های خصوصی دزدان داخلی و خارجی جریان یافت و جابه جا گردید.

متعاقباً برای مخدوش ساختن و ماست مالی واقعیت های چپاول میلیارد ها دالر کمک تکیس پردازان جهان آزاد، اوضاع امنیتی رو به خرابی گذاشت و گروه های مسلح شامل در اداره تحریک طالبان به وسیله استخبارات منطقه و امریکا تمویل و تجهیز گردید.

اینبار طالبان نام مستعار افراد جنگجویی بود که هرگز خیال برگشت به اصطلاح آرمان ها و اهداف گذشته شان یعنی تأسیس امارت اسلامی را نداشتند بلکه به خاطر پول و امتیازات مطابق برنامه "سیا" می جنگیدند. امریکا در تداوم بی ثباتی و تمویل مخالفان اداره کابل از یکطرف دزدی های منابع مالی پروژه باز سازی افغانستان را ماست مالی می نمودند و از جانبی منابع مالی بیشتری را از شرکای غربی شان جاری و نگه می داشتند. ترویج و کشت کوکنار و تجارت آن منبع دیگر درآمد مالی بود که امریکا به بی ثباتی اوضاع امنیتی به آن ضرورت داشت

امریکا در طی هژده سال حضور در افغانستان به اندازه هژده روز به مشکلات و مسائل ملی و عمرانی افغانستان پرداخت و حتی به مردم افغانستان من حیث یک ملت هرگز فکر نکرده است، از دید آنها فقط افرادی درین مملکت برای آنها اهمیت داشته است که در پروژه های مربوط آنان به شمول پروژه دولت شامل بوده اند ... این طرز تلقی آنها از برخورد متفاوت از نظر امتیازات مادی به آنهایی که درین پروژه ها مصروف کار اند با افرادی که در ادارات خارج از پروژه آنها مصروف اند قابل درک است که یکی اقلأ پنج هزار دالر امریکائی ماهانه معاش می گیرد و آن دیگر پنج هزار افغانی ..

درین موارد و در طی این تحولات یک عالم واقعیت های تلخ دیگر موجود گردیده است که برای تشریح آن وقت و زمان درکار است

در سال ۲۰۱۴ که انتخابات ریاست جمهوری تدویر یافت و در آن مردم افغانستان خلاف توقعات جهانی به طور منظم و با باور به چنین یک پروسه دموکراتیک به پای صندوق های رأی رفتند ، نهاد های استعماری را ناراحت ساخت بناءً به تأخیر نتایج و در نهایت سبوتاژ آن پرداختند و اداره مسخره ای را به نام "وحدت ملی" که در آن به زور "جان گیری" دو کون را در یک زین جای دادند، ایجاد گردید ..

کنون که باید مطابق توقعات ملت به خون نشسته ، اداره جدیدی سر کار شود، لرزه در کاخ سفید ایجاد گردیده و تلاش دارند رنگ دیگری بریزند تا حاکمیت استعمار گرانه شان را تداوم ببخشند.

آنها با تماس هایشان با جنگ آوران قراردادی شان به نام طالب اینبار شخص مطلوب خودشان را از نام آنها پیشنهاد نموده اند، این شخص آقای ستار سیرت است، آقای سیرت در کنفرانس بن حضور داشت و ظاهراً مورد توجه بیشتر نسبت به کرزی بود ولی در آنوقت شاید شامل تیم چپاول گران نبود ولی حال که دیگر همه چاره ها حصر گردیده و ایشان نیز دیگر در آن قوت و توان فزیکتی و فکری نیستند و آسان از زیر ریشش خرسوار تیر می گردد، قرار است در بی ثباتی و ابهام سیاسی جدید از ایشان استفاده نمایند و پس از هژده سال اداره مملکتی که می بایست طی آن نضج می گرفت و ریشه می داشت، راه رفته را از نو باید پیمود و از صفر باید آغاز کرد.

همه می دانند که تأسیس چنین ادارات خالی از ده ها چلنج و مشکل نخواهد بود و از همه مهمتر تحول به طرف تأمین ثبات سیاسی و اجتماعی که پس از طی هژده سال نباید در چنین مرحله ابتدائی می بود ، کار ساده و آسانی برای ملت دردمند و آزرده ما نخواهد بود ولی کسی نیست که از آنها بپرسد مسؤولیت اینهمه تعلل و تغافل به دوش کی است ولی کاش درد های ملت در همین مقطع نیز راه التیام یابد، اینبار مطابق سناریو ماشین جنگی از سمت جنوب به طرف شمال در حرکت خواهد افتید و ملیت ها و اقوام دیگری را زیر نام دیگری مورد هدف قرار خواهد داد.....

*- این مطلب به تاریخ ۱۸ نومبر ۲۰۱۸ نگاشته شده است.